

اعتراف در سیصدمین روز

راز قتل مرد جوان در نیمه شب

خاطره یکی از قضات سابق دادسرای امور جنایی تهران است

ساعاتی از شب گذشته بود که کشف جسد مردی کنار جوی آب اعلام شد. همسایه‌ها به‌دنبال صدای تیر به خیابان آمده و با جسد مرد جوان مواجه شده بودند. بلافاصله راهی محل شده و با جسد مرد جوان درحالی روبه‌رو شدم که با پنج گلوله به قتل رسیده بود.

شاهدان نیز از صدای ترمز خودرو و به‌دنبال آن صدای تیراندازی صحبت می‌کردند ولی هیچ کسی چهره عامل یا عاملان این تیراندازی مرگبار را ندیده بود. در بازرسی از جیب‌های قربانی مدرکی به دست نیامد و دستورات برای انتقال جسد به پزشکی قانونی با هویت مجهول را صادر کردم که اتفاق عجیبی رخ داد. درست در همان زمانی که در حال بررسی صحنه جرم بودیم، سه خودرو در کنار محل کشف جسد توقف کردند و سرنشینان خودروها پیاده شدند. آنها به‌دنبال مردی به نام داود بودند.

طبق صحبت‌های سرنشینان خودرو ها، داود از ساعت ۷ شب ناپدید شده بود و آنها برای پیدا کردن داود شروع به گشتن خیابان‌های اطراف خانه کرده که متوجه جمعیت شده بودند. آنها جسد را شناسایی کردند و مرد جوان، همان داود بود که آنها در جست‌وجویش بودند.

بر اساس تحقیقات ما، داود، متاهل، مرد آرام و معقولی که در کار توزیع مواد غذایی بود و روز حادثه برای تسویه حساب با مشتریانش سوار بر خودروی سمندش از خانه خارج شده بود. آخرین بار ۷ شب تماس گرفته و از آن‌جایی که بعد از آن تلفن همراهش را پاسخ نداده بود، خانواده نگران شده و جست‌وجو را برای یافتن او آغاز کرده بودند.

مثلثی برای کشف واقعیت

باتوجه به صحبت‌های خانواده قربانی، مبلغ ده میلیون تومان پول، کارت شارژ و دسته‌چك، مدارك شناسایی و چند چك مشتری از داود سرقت شده بود. شماره پلاك خودرو به تمامی واحدهای گشت اعلام شد و جسد برای معاینات به پزشکی قانونی انتقال داده شد.

چند روز پس از جنایت، خودروی داود در کنار خیابان کشف شد اما هیچ ردی از چك‌ها و پول نقد نبود و فرضیه جنایت به خاطر سرقت مطرح شد.

از آن‌جایی که محل کشف جسد، خودرو و خانه قربانی در نزدیکی هم بودند، به تحقیق از مظنونان که در این مثلث بودند، پرداختیم. سراغ مشتریان داود رفتیم. آخرین نفر، مردی به نام رضا بود که چك دو میلیون تومانی بابت بدهی‌اش به داود پرداخته بود.

شماره چك مورد بررسی قرار گرفت و مشخص شد که توسط زن جوانی به نام نگین نقد شده بود. سراغ نگین رفتیم و او مدعی شد که چك برای نامزدش یاشار بوده است. یاشار بازداشت شد و در تحقیقات مدعی شد که به خاطر نمی‌آورد چك را از چه کسی گرفته است.

مردی با اسلحه

شش ماه از جنایت گذشته بود و یاشار همچنان مدعی بود که به یاد ندارد چه کسی چك را به او داده است که اتفاق جدیدی افتاد. یك روز صبح پسر جوانی به نام حامد به شعبه آمد و اظهارات جدیدی را مطرح کرد. او گفت:« مدتی قبل از جنایت، یاشار سراغم آمد و گفت می‌خواهد داود را ادب کرده و از او زورگیری کند. یاشار خیلی ناراحت بود که داود وضع مالی خوبی پیدا کرده و این مساله حسادت یاشار را برانگیخته بود. یاشار می‌گفت که داود همیشه در صندوق خودرواش مبلغ زیادی پول و شارژ دارد و می‌توانیم به راحتی آنها را به دست آوریم. قرار بود که با هم داود را خفت کنیم اما در آخرین لحظات پشیمان شدم. این را هم بگویم یاشار با پسری به نام جعفر دوست است که اسلحه دارد. باتوجه به صحبت‌های حامد، جعفر بازداشت شد اما در بررسی‌ها مشخص شد که او در این جنایت نقشی نداشته است. تنها اطلاعاتی که از جعفر به دست آوردیم این بود که او و یاشار سال‌ها قبل در کار خرید و فروش مواد بوده و یاشار دو اسلحه در این رابطه خریداری کرده بود.

تحقیقات ادامه داشت تا این‌که ماموران اعلام کردند نامزد یاشار مخفیانه به خانه‌ای رفت و آمد دارد. نگین پس از تحقیقات اولیه آزاد شد، اما به صورت نامحسوس زیر نظر گرفته شد.

در رابطه با خانه مرموزی که او به آن رفت و آمد می‌کرد، تحقیقات صورت گرفت و مشخص شد که خانه مجردی یاشار است. دوباره سراغ نگین رفتیم و او گفت:« چند شب قبل از دستگیر شدن یاشار، او سراسیمه به خانه آمد و به من گفت تا مدت‌ها به اینجا رفت و آمد نکنم.»

ردیابی نامزد تنها مظنون این جنایت راز قتل مرد جوان با شلیک گلوله را فاش کرد

جنایت به خاطر حسادت

باتوجه به صحبت‌های نگین، دستور بازرسی از خانه را صادر کردم و همان‌طور که احتمال می‌دادم، اسلحه در خانه یاشار کشف شد. در نهایت یاشار پس از ۳۰۰ روز سکوتش را شکست و به قتل اعتراف کرد و گفت:« عذاب وجدان خسته‌ام کرد و دیگر نمی‌توانم واقعیت را کتمان کنم. داود را من به قتل رساندم آن هم به خاطر حسادت. آن شب داود به مغازه ما آمد و بعد از پرداخت پول، رفت. من هم بلافاصله از مغازه خارج شدم و طوری وانمود کردم که منتظر ماشین هستم و او مرا سوار خودرواش کرد.

من هم در فرصتی مناسب و در محلی خلوت از ماشین پیاده شدم و به او شلیك کردم. به‌دنبال اعترافات یاشار به قتل، او به بازسازی صحنه جنایت پرداخت. کیفرخواست یاشار به اتهام قتل عمد صادر شد.

محاکمه قاتلان پیرمرد تنها

محاکمه هفته

دو سارق جوان که با انگیزه سرقت از پیرمرد ۸۰ ساله وارد خانه او شده و باعث مرگش شدند، هفته گذشته در دادگاه کیفری یك استان تهران به اتهام قتل و سرقت پای میز محاکمه قرار گرفتند.

رسیدگی به پرونده قتل بهادر ۸۰ ساله از اواسط سال ۹۳ آغاز شد. به گفته همسایه‌ها دقایقی قبل از قتل پیرمرد، صدای او که کمك می‌خواست به گوش رسیده بود، اما زمانی که پشت در خانه‌اش رفته بودند، ناگهان صدای او قطع شده و کسی در را باز نکرده بود؛ در حالی که وقتی ماموران وارد خانه پیرمرد شدند، جسد بی‌جان او را با دست و پای بسته در پذیرایی خانه‌اش دیدند و باز بودن در گاوصندوق و خالی بودن آن حکایت از سرقت داشت.

شش ماه بعد در حالی که دو جوان قصد انتقال سند خانه مقتول را داشتند، بازداشت شدند و به سرقت از خانه بهادر و قتل او اعتراف کردند.

متهمان هفته گذشته در شعبه دوم دادگاه پای میز محاکمه رفتند. ابتدای جلسه دو برادر مقتول به شرط دریافت دیه از قصاص متهم ردیف اول اعلام گذشت کردند.

سپس متهم ردیف اول در دفاع از خود در برابر اتهام قتل عمد و سرقت گفت: قصد قتل و سرقت نداشتیم. همسر یکی از دوستانمان به ما گفت شوهرش به خاطر بدهکاری به بهادر در زندان است و ما یك ظرف آش خریدیم و به بهانه آش نذری مقابل در خانه پیرمرد رفتیم تا او را مجبور به مذاکره در مورد دوستمان کنیم. اما او شروع به فحاشی کرد و ما برای این‌که ساکتش کنیم دست و پایش را بستیم. بعد چشممان به گاوصندوق افتاد و وسوسه شدیم سرقت کنیم. اما من دهانش را نبستیم.

متهم ردیف دوم نیز در دفاع از خود در برابر اتهام وارد کردن صدمات عمدی و شرکت در سرقت گفت:اتهامم را قبول ندارم. من فقط مقتول را هل دادم و به قصد سرقت به خانه‌اش نرفته بودم. پس از دفاعیات متهمان، قضات دادگاه برای صدور رای وارد شور شدند.